

## مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در استفاده از تسلیحات ممنوعه (با نگاهی بر رویه محاکم کیفری بین‌المللی)

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۴

جمال بیگی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۵

مصطفی محمدنسل<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** برخی از حقوق دانان بین‌المللی بر این عقیده‌اند که در صورت ارتکاب جنایات شدید بین‌المللی و به‌منظور مقابله با بی‌کیفری چنین جنایت‌هایی، مقامات مهم دولتی را نباید از مصونیت قضایی برخوردار دانست. اهداف اصلی این پژوهش، شناسایی و اصلاح مقررات در کنوانسیون‌های موجود، در جهت اجتناب از به‌کارگیری تسلیحات ممنوعه در جنگ‌های آتی و تقویت اجماع جهانی و سازمان‌های بین‌المللی و اتخاذ راهکارهای لازم است. **روش تحقیق:** روش تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش حاضر گویای این است که مقامات دولت‌ها، در استفاده از تسلیحات ممنوع شده، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی و به‌عبارت‌دیگر، اشخاص برخوردار از مصونیت از جمله مقامات دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره بین‌المللی نمی‌توانند به مصونیت‌های خود متکی بوده و از مسئولیت کیفری میرا باشند.

**نتیجه‌گیری:** روند تحولات مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها از معاهده ورسای تاکنون که در اساسنامه‌های دادگاه‌های نورنبرگ (ماده ۷)، توکیو (ماده ۶)، یوگسلاوی سابق (ماده ۷)، دادگاه رواندا (ماده ۶)، دادگاه ویژه سیرالئون (ماده ۶)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۲۷) و رویه‌های دادگاه بین‌المللی و ملی شاهد بوده‌ایم، روشن می‌سازد که در حال حاضر مقامات دولت‌ها، در استفاده از تسلیحات ممنوع شده، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی و به‌عبارت‌دیگر، اشخاص برخوردار از مصونیت از جمله مقامات دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره بین‌المللی نمی‌توانند به مصونیت‌های خود متکی بوده و از مسئولیت کیفری میرا باشند. **واژگان کلیدی:** تسلیحات ممنوعه، مسئولیت کیفری، مقامات دولت‌ها، محاکم کیفری بین‌المللی.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، (نویسنده مسئول)

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

m.mohammadnasl@chmail.ir



### مقدمه:

جامعه بین‌المللی از ابتدای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و متعاقب نخستین انفجار هسته‌ای، خواستار توقف توسعه و تولید تسلیحات ممنوعه شده است. اختصاص موضوع نخستین بندهای مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مساله تسلیحات ممنوعه و ایجاد کمیسیون‌های مرتبط به منظور ارائه پیشنهادهای مربوط به تضمین استفاده صلح‌آمیز از دانش‌های جدید و حذف تسلیحات کشتار جمعی به خوبی نشان دهنده نگرانی جامعه بین‌المللی از خطر گسترش چنین سلاح‌های ویران‌گر است. ظهور تسلیحات مدرن، تلاش‌های گسترده‌ای برای وضع معاهدات جدیدی در راستای منع استفاده یا کاهش، تولید، تکثیر و انباشت این گونه تسلیحات را در پی داشته است. سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی و میکروبی) و سلاح‌های انهدام فراگیر (هسته‌ای) در مقابل اصطلاح سلاح‌های متعارف به کار می‌رود و مقصود سلاح‌هایی هستند که قدرت تخریبی یا انهدامی گسترده، فراگیر، غیرقابل تمایز یا غیرقابل تفکیک و وحشتناک دارند.

تجلی تلاش بین‌المللی برای پایان دادن به فرهنگ بی‌کیفری را باید تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دانست که دول عضو در مقدمه آن اعلام می‌کنند، مصمم هستند تا به مصونیت مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی و فرار آن‌ها از مجازات پایان دهند. چنان چه در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، یکی از راه‌های تحقق این هدف، تعقیب و محاکمه متهمان نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و ممانعت از برخورداری آنان از بخشودگی اعلام شده است و این مسئولیت بر عهده جامعه بین‌المللی است که نگذارد جنایتکاران از مجازات بگریزند. علاوه بر این، طبق اصل سوم منشور دیوان نورنبرگ اگر عمل فردی که به‌عنوان رئیس یک دولت یا مقام مسئول حکومتی عمل می‌کند طبق حقوق بین‌الملل جنایت محسوب شود، او طبق حقوق بین‌الملل از مسئولیت معاف نخواهد بود. وقتی با جنایت‌های بین‌المللی هم چون جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت روبرو هستیم، مصونیت نمی‌تواند مانع تحقیقات یا تعقیب شود، فارغ از این که رسیدگی در دادگاه‌های ملی یا بین‌المللی انجام گیرد (ساعد، ۱۳۹۰: ۳۵۰).

روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای، استدلالی و تحلیلی - توضیحی است

و از طریق بررسی آراء و نظریات صادره از مجامع بین‌المللی انجام پذیرفته است و یافته‌ها عمدتاً اسنادی است. در این مقاله، نخست به مرور مفاهیم ضروری از قبیل مسئولیت کیفری بین‌المللی، مقامات دولتی و تسلیحات ممنوعه پرداخته خواهد شد. در ادامه به تسلیحات ممنوعه و مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در رویه محاکم کیفری بین‌المللی نسل اول (دادگاه بین‌المللی نورنبرگ و توکیو)، نسل دوم (محاکم کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا) و نسل سوم (دیوان کیفری بین‌المللی) اشاره شده است. در قسمت بعدی، محاکم کیفری بین‌المللی مختلط نظیر دادگاه سیرالئون، کامبوج، تیمور شرقی، دادگاه عالی کیفری عراق و دادگاه جنایی قاهره بررسی شده و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

### ۱- مرور مفاهیم ضروری

در ابتدای پژوهش حاضر، بر مفهوم مسئولیت کیفری بین‌المللی اشاره شده و این که اصولاً مقامات دولت‌ها به چه مقاماتی اطلاق می‌شود، پرداخته شده است و در نهایت، تسلیحات ممنوعه و انواع آن را مروری اجمالی خواهیم کرد.

#### ۱-۱- مسئولیت کیفری بین‌المللی

اصل ملازمه حق و تکلیف، یک اصل کلی و مورد قبول همه نظام‌های حقوقی است. طبق این اصل اگر کسی حقی دارد به تبع آن مسئولیت متوجه او می‌شود. پس دولت‌ها و سران دولت‌ها هم مسئولیت دارند و هم حقوقی برخوردارند. مسئولیت یعنی پاسخ‌گویی در برابر اعمال زیان‌بار. به‌طور کلی سه نوع مسئولیت زیان‌بار اخلاقی، کیفری و حقوقی وجود دارد. مسئولیت اخلاقی در حقوق بین‌المللی جایگاهی ندارد و آن چه در این راستا مطرح می‌شود تعهد اخلاقی دولت‌هاست نه مسئولیت اخلاقی آن‌ها. دولت‌ها مسئولیت کیفری خویش را نیز قبول ندارند؛ تا به امروز هیچ سند بین‌المللی مبنی بر قبول چنین مسئولیتی به تصویب دولت‌ها نرسیده است؛ اما این مساله به معنی نادیده انگاشتن مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیست. بدین ترتیب اصل، قبول مسئولیت مدنی دولت‌ها است. مسئولیت کیفری در حقوق داخلی معمولاً با عبارت «قابلیت انتساب و اسناد عمل



مجرمانه» تعریف می‌شود؛ اما منظور از مسئولیت کیفری بین‌المللی آن است که اگر یکی از تابعان حقوق بین‌الملل کیفری، مرتکب نقض یکی از قواعد بین‌الملل شود که نقض آن توسط جامعه بین‌الملل جرم و جنایت تلقی شده است. با وجود شرایط قانونی، مرتکب مجرم محسوب و مجازات خواهد شد (سلیمی، ۱۳۷۶: ۲۶). البته در این جا لازم به توضیح است که اگر مرتکب، شخص حقیقی هم چون کارگزاران و نمایندگان دولت باشد، اصولاً همان عوامل رافع مسئولیت کیفری که در حقوق داخلی رعایت می‌شوند. به دلیل وحدت ملاک و زایل کردن قابلیت اسناد و انتساب، به جز در موارد استثنایی، در مسئولیت کیفری بین‌المللی نیز لازم‌الرعايه هستند. برای مثال همان طوری که مجانین و صغار در حقوق داخلی به دلیل «عدم قابلیت اسناد و انتساب» مسئولیت کیفری ندارند، در حقوق کیفری بین‌المللی نیز فاقد مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند. لیکن در خصوص اشخاص حقوقی، این‌گونه عوامل بی‌مفهوم هستند. البته همواره از سوی حقوق دانان، ایرادهای متعددی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و به خصوص دولت‌ها وارد شده است (سلیمی، ۱۳۷۶: ۲۶). از جمله این‌که:

اولاً: انتساب عمل مجرمانه به اشخاص حقوقی ممکن نیست، زیرا مسئولیت کیفری ناشی از تقصیر است و کسی می‌تواند مرتکب تقصیر جزایی شود که دارای اراده باشد و شخص حقوقی فاقد قصد و اراده مستقل است.

ثانیاً: قبول مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، مخالف اصل شخصی بودن مجازات است، زیرا وقتی مجازات را علیه شخص حقوقی اعمال می‌کنیم، در حقیقت مجازات علیه اعضای تشکیل‌دهنده آن اعمال می‌شود که در ارتکاب جرم هیچ‌گونه سمت و دخالتی نداشته‌اند.

ثالثاً: یکی از اهداف عمده مجازات، اصلاح مجرم است و وضع و اجرای مجازات از جمله انحلال، تعطیل یا جریمه درباره اشخاص حقوقی فاقد چنین خصیصه‌ای است.

رابعاً: اگر به ماهیت و طبیعت مجازات‌های کیفری توجه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که این مجازات‌ها طوری انتخاب شده‌اند که متناسب با اشخاص حقیقی هستند، مثلاً شخص حقوقی را نمی‌توان اعدام یا زندانی کرد (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۳۵).

البته در سال‌های اخیر بر تعداد طرفداران قبول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی افزوده

شده است و بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا و ایران اشخاص حقوقی را از لحاظ جزایی مسئول شناخته‌اند.

## ۲-۱- مقامات دولتی

رؤسای کشورها، نماینده شخصیت حقوقی کشور خود می‌باشند. مقصود از رئیس کشور در این بحث، اعم است از شاه، رئیس‌جمهور یا هر مقام دیگری که بر طبق قانون اساسی عالی‌ترین رکن آن کشور باشد. فقط تا زمانی که رئیس مملکتی دارای این سمت است، از مسئولیت کیفری و هم چنین مصونیت قضایی برخوردار است. حقوق بین‌الملل برای پادشاهان، حقوق و امتیازهای یکسانی می‌شناسد؛ اما رئیس‌جمهور از مصونیت‌ها و حقوقی مشابه شاه برخوردار نیست و از این جهت بین دانشمندان حقوق بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد. در یک تقسیم‌بندی مقامات دولتی عبارت‌اند از: پادشاه، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی (ارفع‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۰۹). لذا هرگاه احیاناً رئیس کشوری، در خاک کشوری دیگر، مرتکب جرمی می‌شود تا زمانی که سمت وی از بین نرفته، قابل تعقیب نخواهد بود. حقوق بین‌الملل عرفی، امتیازها و مصونیت‌های عمده‌ای را به نمایندگان سیاسی اعطا می‌کند. این امتیازها و مصونیت‌ها در عهدنامه‌ی وین، راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱، لحاظ شده‌اند. بسیاری از مقررات این عهدنامه به میزان زیادی اعلام حقوق عرفی‌اند یا این که به حقوق عام تبدیل شده‌اند. همه این قواعد دو دسته امتیاز و مصونیت‌ها را در نظر می‌گیرند که مصونیت‌های کاری دیپلمات‌ها به‌عنوان کارمندان دولت را به دلیل اقدامات و مناسباتی که در مقام رسمی به عمل می‌آورند پیش‌بینی می‌کنند. یک دسته مصونیت‌هایی را شامل می‌شود که ناظر بر اماکن و دارایی‌هایی است که از سوی کارمند دولت خارجی برای انجام مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد (مصونیت‌های مربوط به اموال). دسته‌ای دیگر از مصونیت‌ها مشتمل بر اقدامات فردی مأمور است (مصونیت‌های شخصی). این مصونیت‌ها به این منظور در نظر گرفته شده‌اند که مقامات و مأمورین رسمی را از هرگونه دخالت در زندگی خصوصی که ممکن است اجرای مأموریت رسمی آن‌ها را مخدوش سازد، محافظت نماید. در این میان، نمایندگان کنسولی، سفیران دیپلماتیک نیستند؛ آن‌ها مسئول



روابط و مناسبات میان دو دولت تلقی نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها فعالیت‌هایی را برای محافظت از منافع تجاری و دیگر منافع دولت متبوع و به‌طور ویژه به ارائه کمک به اتباع حکومت موردنظر انجام می‌دهند.

### ۳-۱- تسلیحات ممنوعه

اصطلاح تسلیحات ممنوعه و سلاح‌های کشتار جمعی برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ در یکی از اسناد تسلیحات متعارف به کار رفت. در حقوق بین‌المللی قراردادی، برای اولین بار در ماده ۴ قرارداد ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ راجع به اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورهای درزمینه اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، بدون هیچ‌گونه توضیح یا تفسیر به کار گرفته شده است؛ اگرچه تقسیم‌بندی انواع تسلیحات ممنوعه امری فنی است، ولی با توجه به فن‌آوری امروزی می‌توان آن را به انواع زیر تقسیم کرد.

#### ۱-۳-۱- سلاح اتمی

برای تعریف این سلاح عموماً به‌ضمیمه پروتکل توافقات پاریس استناد می‌شود. مطابق تعریف این سند، سلاح اتمی عبارت است از «سلاحی که در ساختن آن از مواد منفجره هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده است و در اثر انفجار یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده است».

#### ۲-۳-۱- سلاح بیولوژیک

در گزارشی از دبیر کل سازمان ملل متحد که به همکاری جمعی از کارشناسان تهیه شده است، تعریفی برای این سلاح پیشنهاد شده که ظاهراً متخصصان هم با آن موافق‌اند. مطابق این تعریف، سلاح بیولوژیک عبارت است از هر ماده بیولوژیک که تأثیر آن وابسته به تکثیر در داخل ارگانیسم هدف بوده و برای آن که باعث بیماری یا مرگ در انسان، حیوان و گیاه شود، در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۳-۳-۱- سلاح شیمیایی

در همان گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد، سلاح شیمیایی هم تعریف شده که بر اساس آن، سلاح شیمیایی شامل «تمام مواد شیمیایی خواه به صورت گاز، مایع یا جامد است که به خاطر اثرات سمی مستقیم روی انسان، حیوان و گیاه به کار گرفته می‌شوند» (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۴-۱۶).

### ۳-۳-۴- سلاح‌های هسته‌ای حرارتی

این سلاح‌ها از ترکیب شدن هسته‌ای دیوتریوم و تریتیوم برای شکل دادن به هلیوم استفاده می‌شود. این بمب‌ها به بمب هیدروژنی نیز معروف است. بمب هیدروژنی توانایی ایجاد انرژی تا میزان صدها هزار کیلو تن و حتی ده‌ها مگاتن را دارد. بزرگ‌ترین بمب هیدروژنی در اتحاد جماهیر شوروی سابق مورد آزمایش قرار گرفت که ۵۰/۷ مگاتن انرژی را در برداشت (ممتاز، ۱۳۷۷: ۳۷۶).

## ۲- تسلیحات ممنوعه و مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در روبه محاکم کیفری بین‌المللی

تا قرن بیستم میلادی هیچ موردی نمی‌توان یافت که یک رهبر سیاسی یا یک فرمانده نظامی به خاطر ارتکاب جنایات جنگی به محاکمه کشانده شده باشد و نیز هیچ دادگاه بین‌المللی وجود نداشت که بتواند صلاحیت خود را در قبال مقامات دولت‌های در قدرت و دولت‌های پیشین به خاطر رفتار و عملکردشان اعمال نمایند. در ذیل روبه محاکم کیفری بین‌المللی ناظر بر تسلیحات ممنوعه را به تفکیک در سه نسل این دادگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۱- روبه محاکم کیفری بین‌المللی نسل اول

نخستین بار مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی نظامی - کیفری نورنبرگ و توکیو مورد توجه قرار گرفت.



### ۱-۱-۲- دادگاه بین‌المللی نظامی - کیفری نورنبرگ<sup>۱</sup>

در روزهای پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، دو نظریه متضاد در بین رهبران دول پیروز در مورد نحوه برخورد با جنایتکاران جنگی در برابر هم قرار گرفت. در یک طرف، نظر اطرافی چرچیل رهبر انگلیس بود که خواهان اعدام فوری و بدون فوت وقت تصمیم‌گیرندگان اصلی جرایم فوق و محاکمه ملی مرتکبان جزء بود و در طرف مقابل، استالین رهبر شوروی سابق به همراه روزولت رئیس‌جمهور وقت و هنری استیمسون وزیر دفاع وقت ایالت متحده آمریکا قرار داشت که طرفدار تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه و مجازات مقامات دولت‌های استفاده‌کننده از تسلیحات ممنوعه بودند که در نهایت نیز همین نظر پذیرفته شد و دیوان نظامی بین‌المللی برای محاکمه «مجرمان بزرگ نازی» در نورنبرگ تأسیس یافت و هم‌زمان با آن نیز دیوان‌های کوچک‌تر از سوی متفقین در چهار ناحیه اشغالی آلمان برای رسیدگی در جرایم کوچک‌تر اختصاص یافت. بدین ترتیب در تابستان ۱۹۴۵، دول پیروز جنگ (اتحادیه جماهیر شوروی سابق، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه) در کنفرانس لندن شرکت کرده و در خصوص مکانیسم محاکمه سران نازی به بحث پرداختند که نتیجه آن، تدوین منشور نورنبرگ و تأسیس دیوان نظامی بین‌المللی نورنبرگ با هدف محاکمه افراد متهم به ارتکاب «جنایات جنگی»، «جرایم علیه صلح» و «جنایت علیه بشریت» بود (دل‌خوش، ۱۳۹۰: ۲۳۴). دیوان مذکور که از ۱۴ نوامبر ۱۹۴۵ تا اول اکتبر ۱۹۴۶ فعالیت نمود دارای صلاحیت رسیدگی به «جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت» بود<sup>۲</sup> و در این رسیدگی‌ها، مصونیت دیپلماتیک افراد مورد شناسایی قرار نگرفته بود.<sup>۳</sup>

دیوان مزبور علاوه بر رسیدگی به اتهامات اشخاص، به دلیل دارا بودن صلاحیت رسیدگی به اتهامات سازمان‌ها، به جرایم<sup>۴</sup> اتهامی شش‌سازمان نیز رسیدگی نمود. محاکمات دیوان نورنبرگ، در شکل‌گیری مبانی حقوق بین‌الملل کیفری نقش مهمی ایفا نموده است و قضات آن، مباحث زیادی را برای پاسخ‌گویی به ایرادهای ماهوی متهمان و وکلای آنان در خصوص

1. The Nuremberg international military tribunal.

۲. ماده ۶ اساسنامه نورنبرگ.

۳. ماده ۷ اساسنامه نورنبرگ.

۴. ماد ۱۰ و ۹ اساسنامه نورنبرگ.



عدم رعایت اصل منع «عقاب بلا بیان» یا «منع مجازات اعمالی که در هنگام ارتکاب، جرم نبوده‌اند» انجام داده‌اند. قضات، در استدلال خود به مقررات معاهده ۱۹۲۸ بریان کلوک و جرم‌انگاری اقدام علیه صلح استناد نمودند و به این نتیجه‌گیری رسیدند که این معاهده و برخی دیگر از منابع غیر الزام‌آور، جرم‌انگاری عمل تهدید صلح را به‌قاعده عرفی تبدیل نموده‌اند. دیوان نورنبرگ با اعلام این موضوع که اصل مسئولیت کیفری فردی<sup>۱</sup> به‌عنوان اصل مسلم حقوق بین‌الملل معاصر مطرح نیست، یک ارزیابی مستحکم با تکیه بر حقوق بین‌الملل موضوعه از خود ارائه داد. شاید یکی از مشهورترین نظرات دیوان، تأکید اکید بر مسئولیت مستقیم افراد در حقوق بین‌المللی است که به‌عنوان اساس تئوری «مسئولیت کیفری فردی» در حقوق بین‌الملل کیفری مطرح گردید. دیوان در این زمینه اعلام نمود:

«جنایت‌ها در حقوق بین‌الملل، توسط افراد و نه موجودات انتزاعی، صورت می‌پذیرد و تنها با مجازات افرادی که این جرایم را مرتکب گردیده‌اند، می‌توان مقررات بین‌الملل را به‌مورد اجرا درآورد. افراد دارای تعهدات بین‌المللی می‌باشند و این تعهدات بر تعهدات ملی مربوط به مقررات داخلی کشورهای متبوع آن‌ها برتری دارد». نکته قابل توجه این که اصول مربوط به اساسنامه دادگاه نورنبرگ و احکام صادره از این دادگاه، متعاقباً توسط قطعنامه ۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز تأیید گردید. هرچند برخی تصمیمات دادگاه نورنبرگ راجع به مسائلی مانند اصل مسئولیت کیفری فردی و «توطئه» موجب بروز مباحث فراوانی میان حقوق دانان شده است؛ اما سایر تحقیقات دادگاه و اصول اساسنامه آن به‌ویژه نظر این دادگاه در مورد عرفی بودن مقررات کنوانسیون‌های لاهه در مورد حقوق مخاصمات، از تأیید بالایی در حقوق بین‌الملل برخوردار می‌باشد (دل‌خوش، ۱۳۹۰: ۲۳۵) ۲۴ نفر از مقامات و افسران عالی‌رتبه دولت آلمان در این دادگاه محاکمه شدند. «هیتلر»<sup>۲</sup> که در رأس آن‌ها بود پیش‌از این خودکشی کرده و امکان محاکمه وی منتفی شده بود. از ۲۴ نفر، ۳ نفر تبرئه شدند و ۱ نفر به ۱۰ سال حبس و ۱ نفر به ۱۵ سال حبس، ۲ نفر به ۲۰ سال حبس و ۳ نفر به حبس دائم و سایرین به اعدام محکوم شدند (میر محمدصادقی، ۱۳۷۷: ۳۸).

آن چه در منشور نورنبرگ به موضوع مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در استفاده از

1. NULLUM CRIMEM SINRE LEG.

2. Adolf Hitler.



تسلیحات ممنوعه ارتباط دارد، ماده ۷ آن است که به صراحت اصل مصونیت حکومتی را که در کنفرانس ورسای آمریکایی‌ها اصرار داشتند رهبران نظامی و سیاسی از آن برخوردار باشند، رد می‌کند. طبق این ماده، احراز مناصب رسمی مانند ریاست دولت یا تصدی وزارتخانه‌ها، باعث سلب مسئولیت یا کاهش مجازات مقامات نمی‌شود. بر همین اساس «قاضی جکسون»<sup>۱</sup> از آغاز بازجویی مصونیت را نادیده گرفت و این امکان را منتفی کرد که رهبران بتوانند صرفاً با استناد به مصونیت از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. وی بیان کرد: «این نظریه که دولت به‌عنوان شخصیت حقوقی، مرتکب جرم می‌شود، پنداری بیش نیست و همیشه افراد هستند که مرتکب جرم می‌شوند. پذیرفتنی نیست که پایبندی افراطی به قانون، مبنای مصونیت شخصی قرار می‌گیرد» (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۴۰۹).

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که یکی از دستاوردهای مهم منشور دادگاه نورنبرگ که بعدها مورد حمایت سازمان ملل متحد قرار گرفت، این بود که آن چه بیش تر در مورد سلب مصونیت در قبال جنایت‌های بین‌المللی مطرح شده بود را به‌صورت مدون درآورد.

## ۲-۱-۲- دادگاه بین‌المللی نظامی - کیفری توکیو<sup>۲</sup>

متعاقب تشکیل دیوان نورنبرگ، دول فاتح جنگ دوم جهانی در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۵، طی بیانیه پوتسدام در خصوص پیگیری و محاکمه مقامات ارشد ژاپن بابت جرایم ارتكابی در طول جنگ تصمیم‌گیری نمودند.<sup>۳</sup> متعاقب این موضوع، ژنرال داگلاس مک آرتور<sup>۴</sup> فرمانده کل متفقین در ژاپن، منشور توکیو را به‌صورت یک دستور اجرایی صادر کرد که در آن اساسنامه، صلاحیت وظایف دیوان نظامی بین‌المللی برای شرق دور پیش‌بینی شده بود. بدین ترتیب جلسه دادگاه از ۲۹ آوریل ۱۹۴۶ با محاکمه ۲۸ نفر به اتهام ۵۵ جنایت، شامل «جنایات علیه صلح به همراه توطئه، جنایات جنگی و قتل و استفاده از سلاح‌های ممنوعه» آغاز گردید (شیایزری، ۱۳۸۳: ۴۵). اتهام قتل در میان اتهامات اعلامی از سوی دادستان دیوان

1. Robert H Jackson.
2. The Tokyo international military tribunal.
3. The Potesdam declaration 26/july/1945.
4. Douglas Mac Arthur.

از این جهت قابل توجه بود که به دلیل غیرقانونی بودن جنگ، کلیه تلفات شامل رزمندگان کشته‌شده در هر دو طرف، در شمار «مقتولین» در معنای کیفری آن محسوب شده بودند.<sup>۱</sup> رسیدگی به پرونده‌های مطروحه، نزدیک به یک سال و نیم طول کشیده و اغلب آراء در نوامبر ۱۹۴۸ اعلام گردید. موضوع‌های مختلفی در طول دادرسی‌های دادگاه توکیو مورد بحث قرار گرفت. از جمله مهم‌ترین آن‌ها «جنگ تجاوز کارانه»، «جنایت علیه صلح» و «مسئولیت کیفری فرمانده» بود. قاضی وب<sup>۲</sup> رئیس دادگاه در نظر جداگانه خود، جرم‌انگاری جنگ تجاوز کارانه را مبتنی بر «حقوق طبیعی» تلقی نمود و برنارد<sup>۳</sup> قاضی فرانسوی، ضمن انتقاد از شیوه‌های رسیدگی دادگاه، اعلام نمود که قادر به احراز مسئولیت کیفری متهمان دادگاه نیست (دل خوش، ۱۳۹۰: ۲۳۶). در این میان دو نظریه مخالف عمده در میان آراء اعلام‌شده توسط قضات دیوان متعلق به قاضی رولینگ<sup>۴</sup> اهل هلند و قاضی پالهند<sup>۵</sup> بود.

قاضی رولینگ با تصریح بر این نکته که در حقوق بین‌الملل، هیچ مسئولیت کیفری فردی در مورد تجاوز وجود ندارد، بر حق دولت فاتح جهت محکوم نمودن و زندانی کردن مسئولان جنگی (نه به دلیل مسئولیت کیفری فردی، بلکه) به خاطر به مخاطره انداختن امنیت این کشورها، تصریح نمود. وی در تأیید نظر خود، به احکام صادره از دادگاه و این که در این احکام، هیچ‌کس به‌صرف اتهام «جنایات علیه صلح» به اعدام محکوم نگردیده است، اشاره نمود. مفصل‌ترین رأی مخالف در میان آراء دادگاه توکیو متعلق به قاضی پال<sup>۶</sup> اهل هند بود. وی در رأی مخالف مشهور و مفصل خود، وجود جرم‌انگاری «جنایات علیه صلح» را در حقوق بین‌الملل موجود انکار نموده و ضمن اشاره به نبود تعریف تجاوز، این مفهوم را مستعد هرگونه تفسیر جانب‌دارانه و مصادره به مطلوب دانست. وی هم چنین در رأی کاملاً متفاوت

---

۱. این ادعای دادستانی در رأی صادره دادگاه پذیرفته نشد و به همین دلیل نیز اتهام «قتل» در شمار اتهام «جنایت علیه صلح» محسوب می‌گردد.

2. Web.

3. Barnard.

4. Rolling.

5. Palhnd.

6. Pal.



خود بارأی اکثریت قضات، اقدامات ژاپن را «صرفاً یک واکنش (ادهاک) این کشور در برابر تحریکات کشورهای غربی و نگرانی‌های این کشور از خط کمونیسم چین» دانست. وی در ادامه ضمن زیر سؤال بردن عادلانه بودن روند رسیدگی‌های دادگاه توکیو، از رویکرد دوگانه دادگاه در عدم محکومیت دولت‌های غربی به دلیل استفاده از بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناکازاکی انتقاد نمود. در مقابل نظر قاضی پال، نظر قاضی ژارانیللا<sup>۲</sup> اهل فیلیپین قرار گرفت. وی برخلاف قاضی پال، ضمن منصفانه خواندن روند رسیدگی‌های دادگاه، بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی را به دلیل این که تلاشی برای به خاتمه بخشیدن به جنگ، توجیه‌پذیر دانست. اغلب احکام دادگاه توکیو (به‌ویژه در استدلالات مربوط به الزام آور بودن منشور دیوان، مجرمانه بودن جنگ تجاوز کارانه و منع توسل به دستور مافوق، به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری) بر اساس رویکرد و عملکرد دیوان نورنبرگ و توکیو، عدم ورود دادگاه نورنبرگ به موضوع مسئولیت فرمانده و بحث تفصیلی دادگاه توکیو در این خصوص و اعمال آن در مورد متهمان نظامی و غیرنظامی بود.

دادگاه نظامی توکیو نیز مانند دادگاه نورنبرگ برای محاکمه مجرمان زمان جنگ بود. فعالیت دادگاه توکیو بر اساس منشور توکیو بود که با توجه به منشور لندن تهیه شده بود. در آوریل ۱۹۴۶، کیفرخواستی علیه ۲۸ ژاپنی صادر شد که در میان آن‌ها ۴ نخست‌وزیر، ۴ وزیر امور خارجه و ۵ وزیر جنگ حضور داشتند؛ اما به دلایل سیاسی، هیچ کیفرخواستی علیه امپراتور «هیرو هیتو»<sup>۳</sup> نشد. دادگاه در نوامبر ۱۹۴۸، رأی خود را صادر کرد و ۷ نفر نیز به اعدام محکوم، ۱۶ نفر به حبس ابد، ۱ نفر به ۲۰ سال حبس و ۱ نفر به ۷ سال حبس محکوم شد (میر محمدصادقی، ۱۳۷۰: ۳۹).

در ماده ۷ منشور دادگاه توکیو پیرامون مصونیت آمده است: «سمت رسمی متهم و نیز اطاعت از دستورات دولت یا مقام ارشد، موجب براءت متهم از مسئولیت جرمی که به آن متهم است، نمی‌شود.» در این ماده به دلیل تصمیم سیاسی که برای «هیرو هیتو» اتخاذ شد، به سمت رئیس دولت اشاره نشده است. هر چند که محاکم نظامی نورنبرگ و توکیو به

1. Ad Hoc.
2. Jaranilla.
3. Hirohito.

دلیل سیاسی و نیز مرگ «هیتلر» و «موسولینی»<sup>۱</sup> رهبر ایتالیایی زمان جنگ جهانی دوم که متحد آلمان‌ها بود، نتوانستند در عمل سران حکومت‌ها را مجازات نمایند، اما هر دو دادگاه مسئولیت کیفری شخصی را پذیرفته و معافیت‌ها و دفاعیاتی مانند اطاعت از اوامر مافوق و مصونیت را رد کردند و نیز وجود جنایت علیه بشریت را به رسمیت شناختند (میر محمدصادقی، ۱۳۷۰: ۳۹).

## ۲-۲- رویه محاکم کیفری بین‌المللی نسل دوم

به دنبال جنایت‌های ارتكابی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در رواندا و بوسنی هرزگوین، شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور، مبادرت به تأسیس دو دادگاه اختصاصی کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا کرد. تأسیس این دو دادگاه کیفری بین‌المللی به‌عنوان ارکان فرعی شورای امنیت برای محاکمه و مجازات ناقضان حقوق بشر دوستانه ابتکاری بی‌سابقه بود که باید آن را مرحله‌ای مهم در تاریخ حقوق بین‌الملل کیفری به شمار آورد (کچوتیان، ۱۳۸۸: ۱۱۴۶).

### ۱-۲-۲- دیوان یوگسلاوی سابق<sup>۲</sup>

تقریباً چهل و پنج سال گذشت تا تلاش جدی بین‌المللی به‌منظور پیگرد ناقضان عمده حقوق بشر دوستانه رنگ واقعیت به خود گیرد. واکنش‌های بین‌المللی در برابر گستره وسیع جنایات جنگی صورت گرفته در طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۱ در یوگسلاوی سابق، به‌ویژه از طریق پاک‌سازی قومی، شورای امنیت را بر این داشت تا دست به تأسیس این دادگاه بزند. در اوت ۱۹۹۲ قطع‌نامه ۷۷۱ شورای امنیت قطعنامه‌ای در خصوص افرادی که متهم به نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در زمینه حمایت از قربانیان جنگ بودند به تصویب رساند (ممتاز، ۱۳۷۷: ۸۱). در این قطعنامه از سازمان‌های بشردوست بین‌المللی خواسته شد تا به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به این قبیل نقض‌ها بپردازند. در اکتبر ۱۹۹۲ قطعنامه ۷۸۰

---

1. Benito Mussolini.

2. International criminal tribunal for the former Yugoslav (ICTY).



شورای امنیت از دبیر کل درخواست نمود کمیسیون کارشناسان مستقل را جهت بررسی اطلاعات تسلیم‌شده تشکیل داده و یافته‌های خود را به شورای امنیت گزارش دهند (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). سرانجام کمیسیون به این نتیجه رسید که در واقع نقض‌ها و تخلفات بسیار زیادی در منطقه یوگسلاوی سابق به وقوع پیوسته بود. در پاسخ به آن، شورای امنیت در فوریه ۱۹۹۳ قطعنامه شماره ۸۲۷ را صادر نمود. این قطعنامه، گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد را تأیید کرد و بر اساس اساسنامه الحاقی به گزارش وی، دیوان را تشکیل داد. این دیوان می‌تواند افرادی را که مرتکب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو و تخطی از قواعد و عرف‌های مربوط به جنگ در سرزمین یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ هستند را تحت پیگرد قرار دهد. افزون بر آن، دادستان این دیوان در مارس ۱۹۹۸ اعلام کرد که دیوان صلاحیت خود را در خصوص تخلفات صورت گرفته به کوزوو هم گسترش داده است. هیچ فردی نمی‌تواند دو بار به علت یک جنایت محاکمه شود. محاکمه نمی‌تواند به‌طور غیابی صورت گیرد و رسیدگی قضایی فقط شامل اشخاص حقیقی می‌شود. لذا، پیگردهای قضایی علیه اشخاص حقوقی هم چون سازمان‌ها و انجمن‌ها مجاز نیست. در ژوئیه و نوامبر ۱۹۹۵، دادستان دادگاه یوگسلاوی سابق کیفرخواست «رادووان کارادزیچ»<sup>۱</sup> و «راتکو مالادیچ»<sup>۲</sup> دو تن از رهبران صرب‌ها را به اتهام نقض شدید قوانین جنگی و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، صادر نمود. رادووان کارادزیچ عضو مؤسس و رئیس حزب دموکراتیک صربستان بود که در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان اولین رئیس جمهور دولت صرب بوسنی انتخاب شد. راتکو مالادیچ نیز از سال ۱۹۹۲ فرمانده دولت صرب بوسنی بوده است. اتهامات آنان در سه بخش تنظیم شد:

۱. بخش اول کیفرخواست شامل جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت‌هایی که علیه جمعیت غیرنظامی و اماکن مذهبی در قلمرو جمهوری بوسنی هرزگوین ارتکاب یافته است.

۲. بخش دوم کیفرخواست شامل جنایت‌های مربوط به تیراندازی و بمباران علیه اشخاص

1. Radovan Karadzic.

2. Ratko Mladic.

غیرنظامی در سارایوو.<sup>۱</sup>

۳. بخش سوم کیفرخواست شامل جنایت‌های مربوط به گروگان‌گیری نیروهای حافظ سازمان ملل متحد (میر محمدصادقی، ۱۳۷۷: ۴۳).

با صدور کیفرخواست علیه «اسلوبودان میلوسویچ»<sup>۲</sup> در می ۱۹۹۹ به اتهام جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایات جنگی، برای اولین بار مصونیت رئیس یک دولت در زمان تصدی سمت نادیده گرفته شد. میلوسویچ در زمان صدور کیفرخواست هم‌چنان در سمت ریاست جمهوری فدرال یوگسلاوی بود و دادگاه با استناد به بند ۲ ماده ۷ اساسنامه، دفاع مصونیت (اعم از مصونیت شخصی و شغلی) را که از سوی او ایراد شده بود، رد کرد و ماده ۷ را بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی دانست (آقا میرسلیم و رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۷۵). بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق نیز در همین راستا بیان می‌داشت که سمت رسمی متهم، خواه به‌عنوان رئیس دولت و خواه مأمور دولتی، نباید موجب برائت فرد و یا تخفیف مجازاتش شود. محاکمه میلوسویچ از سال ۲۰۰۱ در دادگاه جنایات جنگی سازمان ملل متحد، به‌عنوان یکی از عاملان جنگ بوسنی، کرواسی و کوزوو در دهه ۹۰ میلادی آغاز شد. به اعتقاد برخی، میلو سویچ مانع اصلی دستگیری هزاران جنایتکار جنگی صرب و کروات در بوسنی بود و تلاش می‌کرد حجم اعمال خشونت‌آمیز صرب‌ها مخفی بماند. او در مارس ۲۰۰۶ بر اثر حمله قلبی در سلول مخصوصش در زندان دادگاه لاهه در هلند جان سپرد، بی‌آن که هیچ حکمی برای موارد اتهامی وی صادر شده باشد (آقا میرسلیم و رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۷۵). در یک ارزیابی کلی، برای نخستین بار بود که شورای امنیت با استفاده از اختیارات خود، یک دادگاه بین‌المللی تأسیس می‌نمود. دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق، نخستین دادگاه جامعه جهانی بود که به مصونیت‌های یک رئیس‌جمهور بی‌اعتنا و آن را مورد تعقیب قرار داده و محاکمه و مجازات نمود و بدین طریق، رویه نوینی را ایجاد کرد.

---

1. Sarajevo.

2. Slobodan Milosevic.



## ۲-۲-۲- دیوان روآندا

قتل عام وحشتناک هشتاد هزار تا یک میلیون توتسی<sup>۱</sup> و تعدادی هوتو<sup>۲</sup> در روآندا در ماه‌های آوریل تا ژوئن ۱۹۹۴ سبب بر خواستن اعتراض عمومی بین‌المللی باهدف مجازات عاملان این نسل‌کشی‌ها شد.<sup>۳</sup> در واکنش به این اعتراض شدید، شورای امنیت، قطعنامه ۹۳۵ را صادر نمود و در آن از دبیر کل درخواست نمود کمیسیونی متشکل از کارشناسان را جهت بررسی شواهد مربوط به نقض‌های جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در روآندا تشکیل دهد تا یافته‌های خود را به شورای امنیت گزارش نمایند. این کمیسیون به این نتیجه رسید که نقض حقوق بین‌المللی بشر دوستانه توسط هر دو طرف انجام شده، اما شواهد حاکی از آن بود که نسل‌کشی توسط هوتوها علیه اقلیت توتسی انجام گرفته بود. در مورد تعیین این که وضعیت روآندا یک تهدید علیه صلح و امنیت تحت فصل هفت منشور سازمان بین‌الملل بود یا خیر، شورای امنیت در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ قطعنامه ۹۵۵ را صادر نمود. این اقدام سبب تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری روآندا<sup>۴</sup> گردید تا به وسیله آن افراد مسئول نسل‌کشی و دیگر تخلفات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در روآندا مورد پیگرد قرار گیرند. کار این دیوان که مقر آن، در آروشای تانزانیا می‌باشد، مجدداً مؤید این اصل حقوقی بود: افرادی که هنجارهای بنیادین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را زیر پا بگذارند باید در برابر جامعه بین‌المللی پاسخ‌گویی اعمال خود باشند.

دیوان روآندا طبق اساسنامه خود عمل می‌کرد که ضمیمه قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت می‌باشد. به دیوان روآندا این اختیار داده شده بود که افراد متهم به نسل‌کشی را تحت پیگرد قرار دهد، به تخلفات مربوط به ماده ۳ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و هم چنین جنایات علیه بشریت که بین تاریخ‌های اول ژانویه ۱۹۹۴ و ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ مرتکب شده‌اند رسیدگی نماید. در دیوان روآندا محاکمه غیابی مجاز نبوده است. این دیوان صرفاً صلاحیت رسیدگی به تخلفات اشخاص حقیقی را داشته و در چارچوب اساسنامه آن نمی‌توانست اشخاص

1. Tutsie.

2. Hutue.

۳. نسل‌کشی در روآندا، قابل دسترسی در سایت [www.sanyeh.com](http://www.sanyeh.com)

4. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR).



حقوقی هم چون سازمان‌ها یا انجمن‌ها را مورد تعقیب قرار دهد. پس از اعلام کیفرخواست توسط دیوان، حکم جلب صادر می‌شد. از اواخر سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ نفر دستگیر شدند و ۱۲ نفر محکوم گردیدند. در میان افراد گناهکار، ژان کامباند<sup>۱</sup>، نخست‌وزیر سابق رواندا بود که به جرم نسل‌کشی اعتراف کرد. وی عالی‌ترین مقامی بود که تا آن زمان توسط دادگاهی بین‌المللی مجرم شناخته می‌شد (آقا میرسلیم، رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۷۱). وی به همراه ۵ نفر دیگر در زندان مالی محکوم به حبس ابد شدند. دست‌کم ۵۶ تن در بازداشتگاه دیوان در آروشا قرار دارند و ۲۰ تن از آنان نیز در حال محاکمه‌اند و بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر در زندان‌های رواندا در انتظار محاکمه هستند. بند ۲ ماده ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز مقرراتی مشابه اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق در زمینه مصونیت دارد. بدین ترتیب، دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز مستقل از دادگاه یوگسلاوی سابق، اما با هدف و برخی نهادهای مشترک مانند دادستان و دادگاه تجدیدنظر، برای تعقیب افرادی که متهم به نسل‌کشی و سایر موارد نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در رواندا بودند و نیز اتباع رواندایی که مرتکب نسل‌کشی و سایر تخلفات شده بودند تشکیل شد و اولین کیفرخواست خود را در دسامبر ۱۹۹۵ صادر و ۲۱ نفر را متهم نمود (میر محمدصادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

### ۳-۲- رویه محاکم کیفری بین‌المللی نسل سوم

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی باعث تحول مفهوم مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها به معنای واقعی شده است. قرن بیستم در حالی آغاز شد که مسئولیت کیفری افراد در قبال جنایات ارتكابی آنان به رسمیت شناخته نشده بود. مأموران مادون نیز ارتكاب جرایم خود را به دستور مقام مافوق مستند می‌کردند و به این طریق راهی برای معافیت از مجازات می‌یافتند. مقامات مافوق نیز به لحاظ این که به نمایندگی از دولت‌ها عمل می‌کردند و دولت‌ها نیز دارای حاکمیت و شخصیت حقوقی بودند، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه آنان نبود. اصل دستوردهنده مسئول است و مأمور و معذور است، چتر حمایتی‌ای بود تا افراد زیر دست و مجریان اصلی اعمال جنایتکارانه از مسئولیت بگریزند و فرمانده و دستوردهنده را یک سره

---

1. Jean Kambanda.



در مقابل جنایت‌های بین‌المللی مسئول بدانند. در کنار اصول فوق، اصل مصونیت سران و مقامات عالی‌رتبه دولتی از تعقیب کیفری باعث مصون ماندن جنایتکاران اصلی که مباشر یا طراح جنایت‌های بین‌المللی بودند از محاکمه و مجازات می‌شد؛ بنابراین، مساله مسئولیت مقامات مافوق (فرماندهی) و مأموران مادون یکی از نگرانی‌های جامعه بین‌المللی از پایان جنگ جهانی اول بود. نگاهی به حوادث و وقایعی که در جهان اتفاق افتاد نشان می‌داد که بیش‌تر جنایت‌های بین‌المللی و حتی جنگ‌های جهانی از سوی افرادی صورت می‌گرفت که بیش‌ترین قدرت و اختیارات را داشتند، اما در عوض، در مقابل کسی پاسخ‌گو نبودند. در نتیجه، برای نخستین بار پس از جنگ جهانی اول و در زمان انعقاد معاهده ورسای ۱۹۱۹ بود که مسئولیت کیفری افراد در قبال جنایات جنگی شناخته شد و یک رئیس حکومت - صدراعظم آلمان کایزر ویلهلم دوم - به اتهام جنایات جنگی تحت تعقیب قرار گرفت. هر چند این محاکمه به دلایلی صورت نگرفت، اما ایده مسئول دانستن مقامات دولت‌ها و حکومت‌ها از آن زمان تاکنون همواره روبه پیشرفت بوده است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۵: ۲۲۱). لذا دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی با این هدف تاسیس شده که تعقیب موثر مرتکبان جنایت‌های سنگین حقوق بشری میسر و به بی کیفری آن‌ها پایان داده شود (بیگی و خوشیاری حاجی بابا، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

به موجب مواد ۲۴ و ۳۹ منشور سازمان ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت است و تصمیم‌گیری درباره این که چه اقداماتی نقض صلح یا تهدید علیه آن محسوب می‌شود و این که چه اقداماتی برای حفظ صلح ضروری است، صرفاً با شورای امنیت می‌باشد؛ بنابراین این شورا می‌تواند در راستای حفظ صلح و امنیت، کشورها را از اجرای برخی حقوقشان منع کند یا محدودشان سازد و نیز دستور استفاده از قدرت نظامی علیه کشورهایی که نظم بین‌المللی را مختل کرده است، بدهد. بی تردید حاکمیت، فراتر و مهم‌تر از مصونیت است و به نظر می‌رسد شورای امنیت می‌تواند تحت شرایطی مصونیت رئیس دولت را نادیده بگیرد و محاکمه او را از دادگاه کیفری بین‌المللی درخواست نماید. هر چند که برخی نیز معتقدند این نهاد نمی‌تواند مصونیت رئیس دولت را سلب کند (نژدی منش، ۱۳۹۵: ۵).

### ۳- تسلیحات ممنوعه و مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها در رویه محاکم کیفری بین‌المللی مختلط

شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت ماده ۲۹ منشور ملل متحد، چندین دادگاه ویژه کیفری ایجاد کرد که عبارت بودند از: دادگاه ویژه سیرالئون، دادگاه ویژه کامبوج، دادگاه ویژه تیمور شرقی و ... که این دادگاه‌ها تحت فصل هفتم منشور و برای تعقیب و پیگیری جنایات به عمل آمده ایجاد شده‌اند. این دادگاه‌ها معمولاً دارای صلاحیت مشترک ملی و بین‌المللی بوده و از قضاوت و دادستان‌های محلی و بین‌المللی بهره برده و دبیر کل سازمان ملل متحد، دادستان کل را در هر مورد تعیین می‌کند. با تأسیس محکمه‌های ویژه سازمان ملل متحد، وضعیت سران دولت‌ها اعم از پادشاه، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر که از مصونیت برای ارتکاب نقض حقوق بشر برخوردار بودند، به تدریج تغییر کرد.

#### ۳-۱- دادگاه ویژه سیرالئون

دادگاه ویژه سیرالئون<sup>۱</sup> در پی صدور قطعنامه شماره ۱۳۱۵ به تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۰۰ شورای امنیت و بر اساس موافقت‌نامه‌ای بین سازمان ملل متحد و سیرالئون تأسیس گردید. صلاحیت دادگاه مزبور رسیدگی به تخلفات عمده ارتكابی و تعقیب و محاکمه اشخاصی است که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را و حقوق سیرالئون را در سرزمین آن کشور نقض و فرایند صلح در سیرالئون را به مخاطره افکنده‌اند. (ماده ۱) ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون نیز جنایات علیه بشریت از جمله قتل عمدی، نابودسازی، شکنجه، هتک ناموس به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی را بر شمرده و خواستار محاکمه اشخاص مرتکب می‌گردد. ماده ۶ اساسنامه بر مسئولیت کیفری شخصی تأکید و می‌افزاید: «هر کس مرتکب طراحی، تحریک، صدور دستور یا مباشرت شده و یا به شکل دیگری در طراحی، فراهم ساختن مقدمات یا اجرای جنایت مورد نظر، معاونت نموده باشد، شخصاً مسئول جرم ارتكابی خود خواهد بود. مقام و موقعیت رسمی هیچ متهمی، خواه به عنوان رئیس کشور یا دولت، خواه به عنوان یک مقام مسئول دولتی، شخص متهم را از مسئولیت کیفری مبرا نمی‌سازد و موجب تخفیف کیفر نمی‌گردد» (رابرتسون، ۱۳۸۳: ۶۶۱). این دادگاه مقررات مشابهی در زمینه رد مصونیت

1. Special court for Sierra Leone (SCSL).



مقامات دولت‌ها و مأموران دولتی دارد و تأکید می‌کند که سمت رسمی متهم به‌عنوان رئیس دولت، مانع تعقیب وی به‌وسیله نهادهای قضایی و پلیسی نیست. صدور کیفرخواست و قرار بازداشت «چارلز تیلور»<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور سابق لیبریا، زمانی که وی به سمت ریاست منصوب بود، نمونه دیگری از مسئول شناختن مقامات دولت‌ها در قبال اعمالشان است.

تیلور در سال ۲۰۰۳ متهم شناخته شد. او متهم به جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و سرکوب شهروندان بی‌دفاع کشور سیرالئون در دهه ۱۹۹۰ است. مهم‌ترین جنایت وی حمایت از شورشیان سیرالئون و کشتار ۱۲۰ هزار نفر می‌باشد. قطع عضو، هتک حرمت، استفاده از کودکان به‌عنوان سرباز جنگی، برده‌داری، غارت و چپاول از دیگر موارد اتهامی تیلور است. نخستین دادگاه برای محاکمه وی در مارس ۲۰۰۶ تشکیل شد و او ضمن رد اتهامات خود، به برخورداری از مصونیت اشاره کرد؛ اما دادگاه با رد دفاعیات تیلور چنین استدلال کرد که نمی‌توان در برابر دادگاهی بین‌المللی به مصونیت استناد نمود (آقا میرسلیم و رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۸۹). رأی دادگاه نقاط ضعفی در استدلال دارد و منتقدان معتقدند به‌جای تمایز میان دادگاه ملی و بین‌المللی، باید به تفاوت میان مسئولیت کیفری بین‌المللی و مصونیت شخصی به‌عنوان مبنای رد دفاع مصونیت استناد می‌شد، زیرا هر دو به‌موجب حقوق بین‌الملل مقرر شده‌اند و اگر مسئولیت کیفری بین‌المللی وجود داشته باشد، دیگر نمی‌توان به مصونیت در برابر اعمال صلاحیت کیفری دادگاه‌ها استناد کرد، اعم از این که دادگاه ملی باشد یا بین‌المللی (آقا میرسلیم و رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۸۹). البته ادامه محاکمه چارلز تیلور به دلایل امنیتی به دادگاه لاهه در هلند سپرده شد. دادگاه رسیدگی به پرونده تیلور کار خود را در ژوئن ۲۰۰۷ آغاز کرد، اما روند رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهوری سابق لیبریا به دلیل آن که وی وکیل خود را اخراج و اولین جلسه دادگاه را تحریم کرد به تعویق افتاد. دادگاه ویژه سیرالئون در سال ۲۰۰۹ با صدور آخرین احکام به کار خود پایان داد. در جلسه پایانی، دادگاه به درخواست تجدیدنظر در حبس‌های طولانی مدت که برای سه رهبر شورشیان صادر شده بود، رسیدگی و احکام صادره ابقا شد. این سه رهبر در ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت مجرم شناخته شده بودند (آقا میرسلیم و رضوانی، ۱۳۹۰: ۵۹۰).

1. Charles Taylor.

### ۲-۳- دادگاه ویژه کامبوج

دادگاه ویژه کامبوج<sup>۱</sup> به منظور بررسی جنایت‌های ارتكابی توسط خمرهای سرخ که بیش از یک میلیون نفر را در دهه ۱۹۷۰ به قتل رسانده بودند، در سال ۱۹۷۷ تشکیل گردید. علی‌رغم آن که پل پست<sup>۲</sup> داوطلبانه به محاکمه خویش در یک دادگاه بین‌المللی نیز رضایت داده بود، لکن با مرگ وی این سابقه ایجاد نشد (کچوئیان، ۱۳۸۸: ۱۱۵۰). در ۱۴ مارس ۲۰۱۳ اینگ ساری<sup>۳</sup> وزیر پیشین امور خارجه و یکی از رهبران رژیم خمرهای سرخ معروف به «برادر شماره ۳» متهم به ژنوسید، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت درگذشت. شعبه رسیدگی‌کننده اعلام کرد به موجب بند ۱ ماده ۷ آیین دادرسی کیفری کامبوج، مرگ متهم منجر به خاتمه کلیه اقدامات کیفری علیه وی می‌شود. هم‌چنین وفق ماده ۲۳ از قواعد داخلی شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج، مرگ وی منجر به خاتمه کلیه اقدامات حقوقی علیه ایشان می‌گردد (کچوئیان، ۱۳۸۸: ۱۱۵۰). بدین ترتیب فرایند رسیدگی نسبت به اتهامات وی متوقف و نام وی از فهرست رسیدگی دادگاه خارج شد. پرونده اینگ ساری در دادگاه ویژه کامبوج، معروف به شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج، در پی صدور کیفرخواست دادستانی در سال ۲۰۰۷ گشوده شد. شایان ذکر است که در زمان حکومت خمرهای سرخ طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۵ بیش از دو میلیون نفر در کامبوج کشته شدند. از این رو بر اساس موافقت‌نامه سال ۲۰۰۳ منعقد بین دولت کامبوج و سازمان ملل متحد شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج که ماهیت آن مختلط است برای رسیدگی به جنایت‌های ارتكابی مذکور تشکیل گردید (کچوئیان، ۱۳۸۸: ۱۱۵۰).

### ۳-۳- دادگاه ویژه تیمور شرقی

در سال ۱۹۹۹ در اثر یک فراندوم و جنبش مردمی، تیمور شرقی به استقلال رسید. ولی در جریان این فراندوم انواع جنایت‌ها همانند کشتار جمعی، تجاوز جنسی، شکنجه و انتقال اجباری مردم به هدف جلوگیری از رسیدن مردم تیمور شرقی به استقلال، توسط

1. Special tribunal for Cambodia (STC).
2. Pol Pot.
3. Ieng Sari.



نیروهای اندونزی انجام گرفت. در نتیجه محکمه اختصاصی تلفیقی به همکاری سازمان ملل متحد تشکیل که به جنایت‌هایی که از ژانویه تا دسامبر ۱۹۹۹ اتفاق افتاده رسیدگی کرد. بدین ترتیب، دادگاه ویژه تیمور شرقی به منظور جنایات ارتكابی توسط نظامیان اندونزیایی و شبه‌نظامیان مورد حمایت دولت اندونزی که هزاران نفر از مردم تیمور شرقی را که جهت استقلال مبارزه می‌کردند به قتل رسانده بودند تشکیل تا مرتکبان این جنایت‌ها را محاکمه نمایند. تنها تعدادی از سران و فرماندهان از سوی دولت اندونزی محاکمه و به مجازات حبس کوتاه‌مدت محکوم شدند (کچوئیان، ۱۳۸۸: ۱۱۵۱). ولی می‌توان گفت که به دلیل عدم علاقه جامعه جهانی برای به پای میز کشانیدن مقامات اندونزی، این محکمه چندان موفقیت نداشته و اکثر عاملان این جنایت بدون محاکمه مانده است و تعداد اندکی که محاکمه گردیده‌اند از قشر پایین رتبه ارتش اندونزی بوده‌اند.

#### ۴-۳- دادگاه عالی کیفری عراق

در شامگاه بیست و دوم آذر ۱۳۸۲ صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق که در پی سقوط شهر بغداد در جریان حمله نیروهای هوایی آمریکا و انگلیس از قدرت برکنار و در گوشه‌ای از این کشور مخفی شده بود، به اسارت نیروهای مهاجم درآمد (خلقی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در عرصه بین‌المللی، انگشت اتهام جنایت‌های فراوانی به سوی رئیس‌جمهور پیشین عراق نشانه رفته بود. در ظرف مدت اندک کمی بیش از یک دهه صدام دو جنگ تجاوزکارانه را در یکی از حساس‌ترین نقطه جهان علیه همسایگان خود به راه انداخته و سبب لطمات جبران‌ناپذیری به ایران و کویت و سایر کشورهای منطقه شده بود. در طی این جنگ‌ها، ارتش تحت فرماندهی او بارها قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را نقض نموده و وی را قویاً در مظان اتهام جنایات جنگی قرار داده بود. در داخل عراق نیز، مردم این کشور از تعقیب و گریز و شکنجه رژیم وی در حکومت طولانی او در امان نبوده‌اند و حقوق اولیه آن‌ها در حد وسیعی مورد تجاوز قرار گرفته بود. بازداشت‌های خودسرانه مخالفان رژیم، آزار و شکنجه زندانیان سیاسی، حذف فیزیکی نیروهای مخالف، حتی از میان اقوام و بستگان رئیس‌جمهور، استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه یک گروه نژادی خاص از جمعیت عراق و سرکوب بی‌رحمانه شیعیان جنوب

این کشور تنها نمونه‌هایی از اتهامات وارده به او را تشکیل می‌داد (خلقی، ۱۳۸۸: ۱۰۲). بدین ترتیب، مدت زیادی بود که مردم ایران و عراق و هم‌چنین سازمان‌های حقوق بشر در گوشه و کنار جهان در انتظار گرفتار شدن صدام در پنجه عدالت بودند تا شاهد محاکمه وی برای جنایات فجیع منتسب به او باشند.

صدام حسین در تاریخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ و در حالی که هنوز در دادگاه کراپر در بغداد نگهداری می‌شد، به همراه ۱۱ تن از سران حزب بعث به صورت حقوقی<sup>۱</sup> تحویل دولت موقت عراق شد تا به اتهام جنایات جنگی، جنایات ضد بشری و قتل و عام محاکمه شود. قرار شد در طول این محاکمه توجه ویژه‌ای به فعالیت‌های وحشیانه وی علیه کردهای شمال عراق در طول جنگ با ایران و علیه شیعیان جنوب در خلال سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ بشود. اولین استماع دادرسی پرونده صدام در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۳ در دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم سران عراق انجام شد. رهبر مخلوع ۶۷ ساله عراقی صدام، قانونی بودن دادگاه را مورد سؤال قرار داد. او دادگاه را «بازیچه بوش برای رأی آوردن در انتخابات آمریکا» خواند. او تمامی اتهامات وارده را به شدت رد کرد و گفت: «همه این‌ها نمایش است. مجرم اصلی بوش است». هنگامی که قاضی از او درخواست کرد تا خود را معرفی کند، او پاسخ داد: «من صدام حسین عبدالمجید، رئیس‌جمهور عراق هستم. من هنوز هم رئیس‌جمهور عراق هستم و اشغالگران نمی‌توانند آن را انکار کنند». صدام در طول بازرسی از حمله خود به کویت در سال ۱۳۶۹ دفاع کرده و حاکمان کویت را «سگ» خطاب کرد. این جمله باعث شد که قاضی نسبت به استفاده از واژه‌های توهین‌آمیز در دادگاه به او تذکر دهد. کمی بعد در همان روز، ابوالحسن وزیر ارتباطات کویت اعلام کرد که «از صدام انتظار می‌رفت که این چنین سخن بگوید». با این که در روز استماع دادرسی در روز ۱۰ تیر هیچ وکیل مدافعی در دادگاه وجود نداشت، ولی ساجده طلفاح<sup>۲</sup> همسر اول صدام، یک گروه ۲۰ نفره چندملیتی به ریاست محمد رشدان<sup>۳</sup>

۱. نه به صورت فیزیکی، زیرا در آن زمان زندان‌های کافی و امنی برای نگهداری از آن‌ها در عراق وجود نداشت.

2. Sajida Telfah.

3. Mohammed Rashdan.



(اردنی) و متشکل از عایشه قذافی<sup>۱</sup> (لبنانی)، کورتیس دوبلر<sup>۲</sup> (آمریکایی)، امانوئل لودت<sup>۳</sup> (فرانسوی)، مارک هنز لین<sup>۴</sup> (سوئیسی)، جیووانی استفانو<sup>۵</sup> (ایتالیایی) و چند تن دیگر را برای دفاع از صدام استخدام کرده بود. هنگامی که دادرسی به پایان رسید، رهبر مخلوع عراق حاضر به امضای برگه تأیید تفهیم اتهامات خود نشد. این طور گفته می‌شود که صدام طی دیداری با دونالد رامسفلد<sup>۶</sup> در سال ۱۳۸۴ پیشنهاد آزادی خویش را مشروط بر اعلام آتش‌بس با نیروهای ائتلاف را رد کرده است. دادگاه ویژه در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۸۴ صدام را متهم به قتل عام اهالی روستای دجیل به بهانه همکاری آن‌ها در ترور وی در سال ۱۳۶۱ کرد. خانواده صدام در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۸۴ اعلام کردند که گروه وکلای صدام را منحل کرده و تنها عضو عراقی این گروه به نام خلیل الدلیمی به‌عنوان مشاور حقوقی به کار خود ادامه خواهد داد. سرانجام در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۸۵ به اعدام با طناب دار محکوم شد. ادعای وی مبنی بر این که هنوز هم یک نظامی است و در صورت اثبات جنایت باید تیرباران شود، از سوی دادگاه نادیده گرفته شد. او در بازجویی‌های پیش از اعدامش درباره حملات شیمیایی به ایران و کردها گفت: کشتار کردها و ایرانیان با سلاح‌های شیمیایی یک ضرورت بود که شخصاً دستورات را صادر کرده‌ام. البته ناگفته نماند که هرچند جلسه دادگاه عالی عراق در خصوص جمع‌بندی اتهام سلسله عملیات انفال در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۸ علیه ساکنان کرد عراق به هشتم ژانویه ۲۰۰۷ موکول گردیده بود. لیکن ۸ روز قبل از این تاریخ یعنی سی ام دسامبر ۲۰۰۶ حکم اعدام صدام اجرا شد و در جلسه هشتم ژانویه، قاضی از صدام در این خصوص رفع اتهام نموده و بدین سان پرونده محاکمه انفال ناتمام ماند (کلی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

1. Aisha Gaddafi.
2. Curtis Dobler.
3. Immanuel Lvdt.
4. Marek Heinz Lane.
5. Giovanni Stefano.
6. Donald Rumsfeld.



## ۵-۳- دادگاه جنایی قاهره

در تاریخ ۳ اوت ۲۰۱۱ میلادی، اولین جلسه دادگاه حسنی مبارک<sup>۱</sup> (رئیس جمهور وقت مصر) و دو تن از فرزندانش در دادگاهی که در مرکز آموزش پلیس ایجاد شده بود، برگزار شد. مبارک در حالی که روی برانکارد قرار داشت به وسیله آمبولانس به قفسی داخل دادگاه منتقل شد. قبل از شروع دادگاه، عده‌ای از موافقان و مخالفان وی به شدت باهم درگیر شدند. دادگاه جنایی قاهره پس از چندی برای اعلام حکم حسنی مبارک و دو پسرش جمال و علاء مبارک<sup>۲</sup> و وزیر کشورش حبیب العادلی<sup>۳</sup> و ۶ معاون بلندپایه‌اش به ریاست احمد رفعت<sup>۴</sup> تشکیل جلسه داد. رفعت در مقدماتی با اشاره به این که این دادگاه ۲۵۰ ساعت را صرف بررسی پرونده حسنی مبارک و همراهانش کرده و پرونده مبارک ۷۰۰ صفحه را در برمی‌گیرد و ۶۰ هزار صفحه نیز به شکایات و مدارک و اسناد ارائه‌شده از وی اختصاص یافته بود، تأکید کرد که دادگاه جنایی قاهره با تأمل و حوصله بسیار به تمام اتهامات رسیدگی و موارد مذکور در پرونده را مورد بررسی قرار داد. رفعت در سخنان خود پیش از اعلام حکم گفت که در اتخاذ حکم تمام جوانب و عدالت در نظر گرفته شده است و پس از اعلام حکم همه طرف‌های قضیه حق اعتراض و درخواست تجدیدنظر در حکم را دارند. پس از آن رفعت شروع به قرائت حکم متهمان کرد که در کمال ناباوری و تعجب مردم مصر حسنی مبارک را در قضیه کشتار تظاهرات کنندگان مصری به زندان ابد محکوم کرد. هم‌چنین این دادگاه حبیب العادلی وزیر کشور حسنی مبارک را در قضیه کشتار تظاهرات کنندگان مصری به زندان ابد محکوم کرد. دادگاه جنایی قاهره در ادامه اتهامات وارده به احمد رمزی<sup>۵</sup>، عدلی فاید<sup>۶</sup>، حسن عبدالرحمن<sup>۷</sup>، اسماعیل الشاعر<sup>۸</sup>، اسامه المراسی<sup>۹</sup>، جمال و علاء و هم‌چنین شخص حسنی مبارک را در قضیه فساد

1. Mubarak.
2. Gamal & Alaa Mubarak.
3. Habib al-Adli.
4. Ahmed Refaat.
5. Ahmad Ramzi.
6. Adly Fayed.
7. Hassan Abdulrahman.
8. Ismail Shaer.
9. Osama anchors.



مالی و سوء استفاده از قدرت تبرئه کرد. بر اساس حکم صادره توسط دادگاه به این ترتیب جمال و علاء مبارک از اتهام کشتار تظاهرات کنندگان مصری تبرئه شدند.

### نتیجه‌گیری

عدم استفاده از تسلیحات ممنوع شده توسط مقامات دولت‌ها، به عنوان یکی از مباحث مهم در دنیای کنونی است که از سوی شورای امنیت نیز مورد توجه قرار گرفته است که در راستای بسط اختیارات و صلاحیت خویش گام برداشته و به عنوان قدرتمندترین ارگان بین‌المللی کوشیده است که نقش مؤثری را در نظام بین‌المللی ایفاء نماید. در شرایط کنونی، صلح اساسی‌ترین نیاز جامعه بین‌المللی است، هر چند عملاً ترسیم خطوط مفهوم شناختی این محور به دست خود شورای امنیت است. اما این رکن اجرایی و عمدتاً سیاسی هرگز نمی‌تواند، منطوق حقوقی صلح را که «نیاز بشریت» در هر عصر و دوران و نیاز جامعه بین‌المللی کنونی است، به قیمت تهدید بشریت تعبیر و حراست نماید. کاربرد تسلیحات ممنوعه، بزرگ‌ترین مصداق تهدید بشریت در عصر حاضر است. در زمان آغاز قرن ۲۱، تسلیحات ممنوعه هم‌چنان یکی از مشکلات پیش روی بشر است. هنوز مخرب‌ترین و ترسناک‌ترین آن‌ها یعنی سلاح‌های هسته‌ای، در محاسبات استراتژیک قدرت‌های کوچک و بزرگ، به‌ویژه در زرادخانه هشت کشور جهان، مهم‌ترین وزنه تلقی می‌شود. قضاوت درباره تسلیحات ممنوعه از هر نظر مشکل است؛ زیرا، ماهیت برنامه سلاح‌های کشتار جمعی مخفی است، در نتیجه ارزیابی حقیقت، به‌طور ذاتی آسان نیست.

در یک ارزیابی کلی، روند تحولات مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها از معاهده ورسای تاکنون که در اساسنامه‌های دادگاه‌های نورنبرگ (ماده ۷)، توکیو (ماده ۶)، یوگسلاوی سابق (ماده ۷)، دادگاه رواندا (ماده ۶)، دادگاه ویژه سیرالئون (ماده ۶)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۲۷) و رویه‌های دادگاه بین‌المللی و ملی شاهد بوده‌ایم، روشن می‌سازد که در حال حاضر مقامات دولت‌ها، در استفاده از تسلیحات ممنوع شده، نه از مصونیت شخصی برخوردارند و نه از مصونیت شغلی و به عبارت دیگر، اشخاص برخوردار از مصونیت از جمله مقامات دولت‌ها در صورت نقض قواعد آمره بین‌المللی نمی‌توانند به مصونیت‌های خود متکی

بوده و از مسئولیت کیفری میرا باشند. لذا پیشنهاداتی را در خصوص این مهم می‌توان ارائه داد که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مسئولیت کیفری مقامات دولت‌ها برای تعدیل، انهدام، ممنوعیت یا محدود کردن سلاح‌های غیرانسانی شکل گرفته‌اند، اما مبنای این مسئولیت‌ها در حالی که لازم هستند، کافی نمی‌باشند، لذا دولت‌ها باید این قواعد را در روابط بین‌المللی خود، نه تنها از طریق تعهدات، بلکه از طریق اعمال خط‌مشی‌های واقعی عملی سازند.

۲. معاهدات و عرف به هیچ‌وجه استفاده از تسلیحات ممنوعه توسط مقامات دولت‌ها را علیه یک کشور ثالث مجاز و قانونی نمی‌دانند و به شدت با آن مقابله می‌کنند. این در حالی است که وضعیت فعلی نمی‌تواند به‌طور قطع و یقین مشخص نماید که آیا تهدید و استفاده از تسلیحات ممنوعه در وضعیت‌های اضطراری دفاع مشروع که موجودیت یک کشور را به مخاطره می‌اندازد قانونی خواهد بود یا خیر؟

۳. اگر استفاده از تسلیحات ممنوعه تحت کنترل قرار گیرد، دولت‌ها باید همکاری نمایند تا نه تنها تسلیحات متعارف و استراتژیکی سابق، بلکه فن‌آوری نظامی مدرن نیز به صورتی بشردوستانه و انسانی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. ایالات متحده آمریکا، روسیه و دیگر کشورهای هسته‌ای باید سلاح‌های ممنوع شده خود را از طریق روش‌هایی هم‌چون جدا ساختن کلاهک‌ها از سیستم پرتاب به‌منظور دستیابی به وضعیت «آمادگی صفر جهانی» از حالت آماده‌باش خارج سازند.

۵. تمامی کشورها باید بدون قید و شرط معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای را تصویب کنند. چرا که تقاضای جهانی برای انعقاد منع جامع آزمایشات هسته‌ای، گامی مثبت در راه دستیابی به عدم تکثیر و خلع سلاح می‌باشد.



### فهرست منابع:

- آقامیرسلیم، مرضیه سادات و رضوانی، سودابه (۱۳۹۰)، «مصونیت سران دولت‌ها، عدالت قربانی سیاست در حقوق بین‌الملل کیفری»، تهران، نشر میزان.
- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۵)، «محاكمه قدرت»، تهران، گنج دانش.
- ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۸)، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، ج ۲، تهران، انتشارات بهتاب.
- بیگی، جمال و خوشیاری حاجی بابا، رزاق (۱۳۹۱)، «بی کیفری مجرمان و مقابله با آن در آئینه حقوق بین‌الملل (با تاکید بر اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی)»، مجموعه مقالات همایش ملی حقوق بین‌الملل در آئینه علوم روز، ارومیه، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی.
- خلقی، علی (۱۳۸۸)، «جستارهایی از حقوق جزایی بین‌الملل»، تهران، نشر شهردانش.
- دل‌خوش، علیرضا (۱۳۹۰)، «مقابله با جرایم بین‌المللی»، تهران، نشر شهر دانش.
- رابرتسون، جفری (۱۳۸۳)، «جنایات علیه بشریت»، ترجمه گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی قدس رضوی، زیر نظر دکتر حسین میرمحمدصادقی، مشهد مقدس، نشر آستان قدس رضوی.
- ساعد، نادر (۱۳۹۰)، «حقوق بشر دوستانه و سلاح‌های هسته‌ای»، تهران، نشر شهر دانش.
- سلیمی، صادق (۱۳۷۶)، «پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل و حقوق کیفری ایران»، تهران، نشر خیام.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۰)، «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، تهران، نشر میزان.
- کچوئیان، جواد (۱۳۸۸)، «تحول مفهوم مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، ش ۴.
- کلی، مایکل جی. (۱۳۹۰)، «نسل‌کشی در کردستان عراق: صدام حسین و یک محاکمه ناتمام»، ترجمه سربس نظری، تهران، نشر امیر کبیر.

- ممتاز، جمشید (۱۳۷۷)، «**حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی**»، ترجمه و تحقیق شریفی طراز کوهی حسین، تهران، نشر دادگستر.
- می‌یر، پیتر (۱۳۷۱)، «**جامعه‌شناسی جنگ و ارتش**»، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، ج ۲، تهران، نشر قومس.
- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۷۷)، «**بررسی جرایم علیه بشریت در یوگسلاوی سابق با نگاهی ویژه به جرایم علیه زنان**»، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان.
- نژدی منش، هیبت‌الله، (۱۳۹۵)، «**بررسی درخواست دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای صدور حکم جلب علیه عمرالبشیر**»، قابل دسترسی در سایت پایگاه اطلاع رسانی اعتماد ملی.
- Bedjaoui (1991), “**International Law, Achievements and prospects**”, Martinis Nijhoff Publishers.
- “**Convention on the prevention and Punishment of Crime of Genocide**”, New York, 9 December (1948).
- “**Convention on the prevention and Punishment of Crimes against entered into force Feb**”. 20(1977).
- Harris, D.J. (1998), “**Cases and Materials on International Law**”, Sweet Maxwell.
- Schwarzeuberger, G. (1967), “**Amanual of International Law**”, London, Stevens & Sons.
- “**The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime Genocide**”, 9 December (1948).